

واکاوی عملیات کربلای چهار و علل شکست و آثار و نتایج آن

سیدجعفر حسینی ودیق^۱، اسماعیل وکیلزاده^۲، سیدمهدی حسینی^۳

چکیده

طرح عملیات کربلای ۴ با عنوان «تاکتیک ویژه» پس از حدود هزار ساعت کار روی نقشه‌ها، توسط زبده‌ترین فرماندهان جنگ طراحی شد. این عملیات سوم دی‌ماه سال ۱۳۶۵، در محور خرمشهر تا جزیره مینو برای تصرف جزیره ام‌الرصاص و ابوالخصیب و بستن جاده بصره به فاو شروع شد اما به خاطر هو شیاری دشمن و عدم تحقق اصل غافلگیری تاکتیکی و زمانی با عدم الفتح مواجه گردید. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤالات است که اولاً: عملیات کربلای ۴ چرا انجام گرفت؟ ثانیاً: علل شکست آنچه بود؟ ثالثاً: چه آثار و نتایجی به دنبال داشت؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌ها نشان داد ایران برای تعیین سرنوشت جنگ و دستیابی به صلح عادلانه، این عملیات را آغاز کرد. هرچند نتوانست در آن به اهداف از پیش تعیین شده برسد و عملیات پس از هشت و نیم ساعت متوقف شد، اما آثار آن عملیات به حدی شایان بود که نمی‌توان کربلای ۴ را در زمره شکست‌های علی‌الاطلاق برشمرد؛ چراکه اولین عامل اساسی در اغفال تمام‌عیار دشمن از انجام عملیات جدید توسط نیروهای خودی و عدم اقبال به اتخاذ استراتژی پدافندی کارآمد در منطقه شلمچه بود؛ تا حدی که با ترخیص بسیاری از نیروها و ترک منطقه نبرد توسط فرماندهان، عملاً موجبات غافلگیری همه‌جانبه دشمن در عملیات کربلای ۵ فراهم آمد.

واژگان کلیدی

آثار و نتایج، اروندرود، جنگ تحمیلی، عوامل شکست، کربلای ۴.

۱. دکتری فقه و حقوق، مدرس گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

sjhosseini48@gmail.com

e.vakilzade@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ، محقق و نویسنده حوزه ادبیات پایداری.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، پردیس دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

mahdihosseini7347@gmail.com

مقدمه

در حالی که فقط ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سپری می شد ارتش تا دندان مسلح رژیم بعثی عراق با استناد به اصل دفاع مشروع پیشگیرانه و با پشتیبانی نظام سلطه شرق و غرب و تقریباً اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی از زمین، هوا و دریا با تجاوز به مرزهای ایران اسلامی جنگ ناخواسته‌ای را به این کشور تحمیل کرد؛ و در مقابل، ایران اسلامی در مواجهه با تجاوز مزبور که همه خصوصیات حمله مسلحانه را دارا بود، با استناد به ماده ۵۱ منشور به دفاع مشروع پرداخت (محمد علی پور، ۱۳۸۳: ۱۰). این جنگ تحمیلی قریب ۸ سال به درازا کشید و پرهزینه‌ترین و طولانی‌ترین جنگ پس از جنگ دوم جهانی در منطقه غرب آسیا لقب گرفت. بعضی سیاستمداران می‌گویند قدرت‌های جهانی با این جنگ موافق بودند، چون در جهت منافع آن‌ها بود. آمریکا اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران با جنگ باعث می‌شود تا مسئولان کشور در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند. (رحمانی، ۱۳۸۳: ۶۶) و به جهت اینکه عراق یکی از کشورهای بلوک شرق بود اتحاد جماهیر شوروی گسترده‌ترین روابط سیاسی و نظامی را با دولت این کشور داشت و از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان اسلحه و مهمات برای ارتش عراق در دوران جنگ محسوب می‌شد؛ و همچنین به دلیل اشغال افغانستان به دست ارتش سرخ، قبل از آغاز جنگ عراق با ایران، شوروی انتظار سکوت ایران در برابر این واقعه را داشت، ولی ایران به صورت جدی با حمله به افغانستان مخالفت کرد و این موضوع باعث شد تا شوروی به حمایت خود از عراق ادامه دهد تا بدین وسیله بتواند به ایران فشار وارد کند (مرادی پیری و شربتی، ۱۳۹۳: ۶۲). وقتی دیکتاتور حاکم بر عراق که سودای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند با پشتوانه استکبار جهانی برای جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی در عراق؛ خروج آن کشور از تنگنای ژئوپلیتیکی و دسترس بی‌شتر به آب‌های آزاد و عقده‌حقرات تاریخی امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، برای وارد کردن ضربه اساسی به انقلاب نوپای مردم ایران، در تاریخ ۱۳۵۹/۰۶/۳۱ آتش جنگ را بر افروخت، هرگز تصور نمی‌کرد که تنها چند ساعت بعد، از سوی ایران پاسخی قاطع دریافت کند و این جنگ، هشت سال بعد با ذلت و شکست خودش تمام شود. بعد از شروع جنگ، مردم و جوانان ایران از هر شهر و دیاری برای حفظ و حراست از ارزش‌های والای اسلامی و دفاع از انقلاب و وطن خود، صف

به صف چون بنیان مرصوص به فرمان حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، رهبر و مقتدای شان در جبهه‌ها حضور یافتند و با ایمان به نصرت الهی، مردانه جنگیدند که تاریخ هرگز توان فراموشی دلاورهای آنان را نخواهد داشت. آنچه از جنگ شنیده‌ایم بیشتر زشتی و پلیدی و تجاوز و بدی‌هاست، اما دفاع مقدس تعبیری عاشقانه از جنگ ارائه داده و آنچه برای دیگران بدی و زشتی است، برای رزمندگان و مدافعان حریم ایران اسلامی مملو از زیبایی‌هاست و جلوه‌گر رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌های بی‌شماری است (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳). در طول هشت سال دفاع مقدس، رزمندگان اسلام با امکانات و تجهیزات خیلی کم و تقریباً با دست خالی از کشور دفاع کردند، هشت سال پایداری برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، هشت سال استقامت در برابر ظالمان، اطاعت از فرمان خداوند برای دفع فتنه بیگانگان، هشت سال مقاومت برای حفظ ارزش‌های دینی و ملی جامعه و هشت سال ایستادگی برای دفع تجاوز دشمن و رسیدن به صلح و امنیت از جلوه‌های بسیار زیبای دفاع مقدس به شمار می‌آید. در هشت سال دفاع مقدس، رزمندگان اسلام با عبور از فراز و فرودهای فراوان و حداقل امکانات و تجهیزات، تنها با داشتن شور و شعور انقلابی، توانستند بدون آموزش‌های ویژه نظامی، پیچیده‌ترین عملیات‌ها را طراحی و اجرا نمودند. این ستارگان بی‌بدیل انقلاب اسلامی با انجام عملیات‌هایی در دشت‌ها، تپه‌ماهورها، ارتفاعات، هورها (آب‌گرفتگی‌ها) و با عبور از رودخانه‌های خروشان و ظاهراً غیرقابل عبور، صفحات زرینی در تاریخ جنگ هشت‌ساله بر جا گذاشتند (بیات، ۱۴۰۰: ۲۱۲-۱۹۱). شکست‌ها و پیروزی‌ها در جنگ امری اجتناب‌ناپذیر هستند، اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که شکست مقدمه پیروزی است و باید از شکست‌ها درس عبرت گرفت و پلی برای کسب پیروزی‌ها بنا کرد و برای تداوم پیروزی‌ها نباید سرمست و مغرور شد. در کارنامه عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال جنگ تحمیلی، عملیات آبی - خاکی کربلای چهار از ویژگی خاصی برخوردار است. پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو که با عبور موفقیت‌آمیز نیروهای غواص از اروندرود به دست آمد، طراحان جنگ را به فکر استفاده مجدد از این تجربه موفق انداخت. در این راستا با تلاش چندین ماهه فرماندهان در سال ششم جنگ، عملیات کربلای ۴ طراحی و در مناطق مقابل خرمشهر تا جزیره مینو برای تصرف جزیره ام الرصاص و ابوالخصیب عراق و

بستن جاده بصره به فاو به مورد اجراء گذاشته شد اما به جهت هوشیاری دشمن و عدم موفقیت در استفاده از اصل غافلگیری با شکست و عدم الفتح مواجه گردید و به هدف نهایی خود نرسید. ایران در این عملیات قصد داشت برای بهبود شرایط سیاسی- نظامی کشور و تعیین سرنوشت جنگ و دستیابی به صلحی عادلانه، با استفاده از نیروهای خط شکن غواص جنگ را به داخل خاک عراق بگشاند، شهر مهم و اقتصادی بصره را مورد تهدید قرار دهد و با محاصره نیروهای عراق در شبه جزیره فاو از حمله احتمالی به شبه جزیره فاو جلوگیری کنند. این عملیات از لحاظ طراحی، فوق العاده قوی و جسورانه بود. فوق العاده جسورانه! یعنی اگر کربلای چهار صد در صد موفق می شد، ارتش عراق از لحاظ نظامی شکست می خورد. مجبور بود همه توانش را به میدان بیاورد. (اوصانلو، ۱۳۹۴) رزمندگان ایران پس از چندین ماه آموزش های سخت و طاقت فرسایی برای انجام این عملیات در مناطقی همانند منطقه عملیات پیش رو با موفقیت پشت سر گذاشته بودند. نیروهای خط شکن غواص که در این عملیات نقش اساسی را باید ایفاء می کردند، مأموریتی خیلی سخت به آنها محول شده بود. بسیاری از آنها قرار بود در این عملیات پس از ۹ کیلومتر غواصی در اروند، عقبه دشمن را در خط سوم تصرف نمایند. تاریخ جنگ تحمیلی، عملیاتی شبیه عملیات کربلای ۴ به خود ندیده بود. (حسینی ودیق، ۱۴۰۰: ۲۰۶). با این وجود، عملیات کربلای ۴ که در تاریخ ۳ دی ۱۳۶۵ در جبهه جنوبی شلمچه و شرق بصره آغاز شد، با موفقیت توأم نبود (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۴۰) و نتوانست به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد. این پژوهش، با روش تحلیلی- توصیفی درصدد واکاوی واقع بینانه الزامات، چرایی و اهداف انجام این عملیات، احصاء علل شکست و تبیین آثار و نتایج آن است.

سؤالات پژوهش:

۱. عملیات آبی - خاکی کربلای ۴ چرا انجام گرفت؟
۲. علل شکست و عدم الفتح ایران در این عملیات چه بود؟
۳. عملیات کربلای ۴ چه آثار و نتایجی به دنبال داشت؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های محدودی در خصوص عملیات کربلای ۴ و علل ناکامی ایران در آن انجام شده است که در ادامه مطالب، به چند مورد اشاره شده است.

نتایج پژوهش درودیان (۱۳۷۹) با عنوان «سیری در جنگ ایران و عراق» بیانگر آن بود که بعد از آغاز این عملیات، نیروهای ایرانی متوجه هوشیاری بسیار زیاد و کامل ارتش عراق در مقابله با این عملیات گردیدند. عراقی‌ها با هوشیاری و آمادگی کامل، ضمن استفاده از منور با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای ایرانی شلیک می‌کردند. در چنین شرایطی امکان ادامه عملیات میسر نبود، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد خودداری شد و تنها به فاصله ۲۴ ساعت پس از شروع عملیات، به دلیل وضعیت جدیدی که در خطوط درگیری به وجود آمد، فرمانده سپاه دستور توقف عملیات را صادر کرد.

جدی و فرقانی (۱۳۸۳) در راستای بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴، بدین نتیجه دست یافته‌اند که در میان سلسله عوامل مؤثر بر عدم موفقیت این عملیات که در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی می‌توانند مورد توجه قرار گیرند، دو عامل عدم رعایت اصل غافلگیری و نامناسب بودن وضعیت زمین محور عملیات در تأمین نیازهای عبور از رودخانه اروند بوده‌اند.

وفیق السامرای، رئیس سازمان اطلاعات نظامی عراق (۱۳۸۸) در کتاب «ویرانی دروازه شرقی» در بررسی علل موفقیت عراق در عملیات کربلای چهار به این نتیجه دست یافته است که اعمال شدت عمل در مراقبت و کنترل کلیه مناطق عملیاتی جبهه، مخصوصاً کنترل دقیق جبهه شرق بصره و منطقه میانی خانقین توسط ارتش عراق که با استفاده از پروازهای عکس‌برداری گشتی شناسایی مکرر و بهره‌گیری از همه نیروهای انسانی و فنی انجام گرفت، دلیل عدم موفقیت نیروهای ایرانی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده‌شان بود.

رضایی (۱۳۹۰) در کتاب «جنگ به روایت فرمانده» در مورد عملیات کربلای چهار به این نتیجه می‌رسد که تا یک هفته قبل از این عملیات بر اساس ارزیابی فرماندهان، غافلگیری (عراق) در حدود ۸۰ درصد بود؛ اما از یک هفته به عملیات هرچه به شب عملیات نزدیک می‌شد این رقم کاهش می‌یافت تا اینکه در شب عملیات به حدود ۵۰ درصد رسیده بود.

علائی (۱۳۹۵) در کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» در خصوص علل شکست عملیات کربلای ۴ به این نتیجه رسیده است که دلایل این عدم موفقیت عبارت بودند از:

الف) نشت اطلاعاتی و هوشیاری دشمن

تبلیغات علنی و گسترده‌ی ایران از طریق صداوسیما و نمازهای جمعه برای بسیج نیرو موجب شد تا عراق نسبت به عملیات آینده‌ی ایران بسیار حساس شود. عراق توانست برای کسب آگاهی از وضعیت، گسترش و استعداد نیروهای ایرانی از طریق برخی افراد جاسوس و تجهیزات فنی فعالانه عمل نماید. از یک‌سو عراق براساس همکاری‌های اطلاعاتی خود با آمریکا، اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق هواپیماهای آواکس و ماهواره‌های فضایی درباره‌ی مواضع نیروهای ایرانی را در اختیار گرفت و از سوی دیگر عراق از تجربه‌ی عبور نیروهای ایرانی از اروندرود در عملیات والفجر ۸ بهره برد و ضمن محتمل دانستن عبور نیروهای ایرانی از اروند، تدابیر لازم را برای مقابله با آن اندیشیده بود.

ب) آشکار شدن تاکتیک‌های قوای ایران

شیوه‌ی عبور از رودخانه و نحوه‌ی شکستن خط ساحل و چگونگی حمله‌ی رزمندگان ایرانی به مواضع ارتش عراق برای دشمن پس از عملیات والفجر ۸ روشن و مشخص شده بود. ارتش عراق تیربارهایی را در ساحل اروندرود به کار گرفته بود و به‌طور مرتب با این تیربارها آتش‌تراش بر روی سطح رودخانه اجرا می‌کرد تا چنانچه غواصی در آب حرکت می‌کند نتواند به پیش‌روی خود ادامه دهد.

نتیجه پژوهش حسینی ودیقی (۱۴۰۰) با عنوان «میهمانان ام‌الرصاص» بیانگر آن بود که نیروهای عراقی‌ها قبل از آغاز عملیات کربلای ۴ آماده مقابله با نیروهای ایرانی بودند. غروب سوم دی‌ماه ۱۳۶۵، شدت آتش دشمن زیاد شده بود. گلوله‌های خمپاره به صورت مداوم خط را می‌کوبید. این آتش سنگین از آمادگی نیروهای دشمن حکایت داشت. بعد از شروع عملیات نیز هواپیماهای عراق، عقبه نیروهای ایرانی را در نهر عریض مرتب بمباران می‌کردند. انبوه آتش ارتش عراق از جناحین جزایر ام‌الرصاص و بوارین کار انتقال نیروهای موج دوم و سوم اجرای عملیات را با مشکل مواجه کرده بود و نیروهای آبی — خاکی ایران نمی‌توانستند به

کممک نیروهای غواص بیابند. عراقی‌ها با مسدود کردن دو طرف معبر کم عرض ام‌الرصاص - بوارین که در واقع تنگه عملیات محسوب می‌شد، سازمان غواصان خط شکن و قایق‌های ساحل‌شکن ایرانی را برهم زده بودند.

نتایج پژوهش بیات (۱۴۰۰) با عنوان «عملیات کربلای ۴ پیچیده‌ترین عملیات دفاع مقدس و علل شکست آن» بیانگر آن بود که علل اصلی عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ عبارتند از:

انتخاب تاکتیک تکراری؛

انتخاب یک منطقه کوچک برای مبداء عملیات؛

حمایت اطلاعاتی آمریکا؛

سخت‌گیری بیش از اندازه حفاظتی؛

غرور ناشی از پیروزی عملیات والفجر ۸ و در نتیجه طراحی یک عملیات بزرگ تر و فوق‌العاده پیچیده؛

عبور از تنگه توسط غواصان و مراقبت شدید دشمن از آن.

عملیات آبی - خاکی کربلای ۴ چرا و با چه هدفی انجام گرفت؟

طرح عملیات کربلای چهار با عنوان «تاکتیک ویژه» پس از قریب به هزار ساعت کاربر روی نقشه‌ها، توسط زنده‌ترین فرماندهان جنگ طراحی شد. سال ۱۳۶۵ به نام سال تعیین سرنوشت جنگ در بین اداره‌کنندگان دولت و جنگ معروف شده بود و جنگ عاملی بنیادی بود که با سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشور در مجامع بین‌المللی پیوند خورده بود.

با توجه به شرایط کشور در سال ۱۳۶۵ و نبود هیچ‌گونه طرح سیاسی برای پایان دادن به جنگ، ایران چاره‌ای جز انجام یک عملیات بزرگ و مهم در جبهه‌های جنگ زمینی نداشت. ایران با انجام عملیات می‌خواست ضمن پاسخ دادن به شرارت‌های مرتب دشمن، در حمله به مراکز اقتصادی و اجتماعی کشور و نیز تلاش ارتش بعثی عراق برای گسترده‌تر کردن حوزه‌های جنگ از جمله در دریای خلیج فارس و در شهرها، اعلام کند که سرنوشت جنگ در جبهه‌های زمینی تعیین می‌شود و سیاست عراق در گسترش دادن جنگ به بمباران غیرنظامیان، راه درستی نیست. در زمان برنامه‌ریزی برای عملیات کربلای ۴، تصور بر این بود که یک عملیات گسترده

و مؤثر می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و دولت عراق را وادار به پذیرش خواسته‌ها و شرایط ایران برای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی کند (علایی، ۱۳۹۴).

موفقیت‌های عملیات والفجر هشت، باعث شده بود تا ایران خارج از حوزه سرزمینی خود در داخل خاک دشمن بر جنگ مسلط شود و با تصرف فاو، هم اروند و هم خور عبدالله در اختیار ایران قرار گیرد و نیز موجبات هم‌مرزی با کویت و قطع دسترسی عراق به خلیج فارس و آب‌های آزاد فراهم گردیده بود و جداسازی و تجزیه قسمتی از جنوب عراق از خاک این کشور غیرممکن به نظر نمی‌رسید. از طرفی، رسیدن به این تحلیل که فشار ایران از سمت جنوب برای رسیدن به بصره به‌عنوان دومین شهر بزرگ عراق و دروازه گشایش فتوحات آتی، با عملیات بازه زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ راهبردی‌ترین تحرک نظامی است که اهداف بلندمدت ایران را در نیل به خواسته‌هایش از مجامع بین‌المللی محقق خواهد کرد. با این حال، عملاً قطعنامه جانبدارانه و بی‌محتوای شورای امنیت در آن برهه جهت خاتمه جنگ نه تنها حق مردم ایران را در جبران خسارت‌های کلان جنگ استیفاء نمی‌کرد، بلکه بدون متجاوز شناختن عراق به عنوان آغازگر جنگ با طرح عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده، فرصت تجدیدقوا به عراق و اعطای عقب‌نشینی بدون هزینه از خاک کشورش، دست صدام را در تعرض جدید، مبسوط‌الید گذاشته بود. همچنین جایگاه برتر ایران را که حاصل مجاهدت‌های بی‌بدیل در عرصه کارزار حق علیه دنیای کفر بود، به راحتی تنزل می‌داد. این در حالی بود که رژیم عراق در موضع ضعف قرار داشت و حتی استراتژی دیکته شده و مذبوحانه «دفاع متحرک» او که تمام جبهه‌های غرب و جنوب از شمالی‌ترین نقطه تا جنوبی‌ترین آن را پوشش می‌داد و از تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ تا تصرف مهران ادامه داشت، نیز نتوانست تغییر شایانی در موقعیت جنگ ایجاد کند؛ چراکه ایران نیز با در دست گرفتن ابتکار عمل در تمامی جبهه‌ها با عملیات‌هایی چون کربلای سه در خلیج فارس، باهدف نابودی اسکله راهبردی الامیه و سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق در غرب و سمت کرکوک و نیز عملیات‌هایی چون انصار و سلسله عملیات والفجر در جنوب و جزایر مجنون و یا در قالب تحرکات کوچکی مانند عملیات قدس و عاشورا، عملاً تمامی صحنه نبرد به طول هزار کیلومتر را فعال نگه داشته و این استراتژی را به

چالش کشیده بود. در چنین فضایی دولت و ملت ایران منتظر اجرای عملیاتی سرنوشت ساز برای دستیابی به سه هدف عمده بود:

۱. پذیرش و احیای مفاد معاهده ۱۹۷۵ الجزایر؛

۲. متجاوز معرفی شدن عراق به عنوان آغازگر جنگ؛

۳. پذیرش تبعات حقوقی تجاوز.

دو هدف جانبی نیز دنبال می شد:

۱. نگه داشتن دشمن در موضع ضعف و پدافندی؛

۲. پاسخ محکم و بازدارنده با هدف کاستن از بار حملات ددمنشانه و غیرانسانی به

تأسیسات، شهرها و مردم بی پناه.

رسیدن به این نکته که صدام، مزدور تمام عیار آمریکا در جامه عمل پوشاندن به اهداف شوم استکبار بود و تسلیم او در مقابل ایران هزینه های گزافی را متوجه جامعه اعراب و حامیان و ایسته به ائتلاف شرقی غربی او خواهد نمود، مانع از ادامه استراتژی فرسایشی جنگ می شد؛ لذا شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» محتاج یک جهش در موقعیت میدانی جنگ بود تا مقدمات تن در دادن به پذیرش پروسه تسلیم صدام در عرصه سیاسی از ناحیه جبهه شوم استکبار و حامیان منطقه ای و فرامنطقه ای صدام در مجامع بین المللی فراهم شود. در این موقعیت حساس، ملت ایران نیز با درک چنین فضایی بیش از پیش به جبهه ها سرازیر شدند و استقبالی بی نظیر از هجوم جوانان به جبهه رقم خورد.

دیدگاه غالب در دولت و نیز شرایط اقتصادی از دیگر عواملی بود که بیشینه تأثیر را در تمرکز همه جانبه برای انجام این تحرک عظیم و سرنوشت ساز با هدف رساندن سرنوشت جنگ به نقطه عزت مند و پایانی خود به همراه داشت. هر چند تلاش همه جانبه ای برای عدم تأثیرگذاری شایان تبعات اقتصادی جنگ بر روی معیشت مردم صورت می گرفت اما با سقوط درآمدهای نفتی به زیر هفت میلیارد دلار که عمدتاً به واسطه سقوط قیمت نفت و مورد تهاجم قرار گرفتن صنایع و تأسیسات صادرات آن توسط دشمن و نیز تحریم همه جانبه اروپا و آمریکا، خاصه در حوزه خرید تسلیحات اتفاق افتاده بود، دولت در این سالها افت شدید منابع ارزی خود را تجربه می کرد. کسری شدید بودجه رفته رفته اثرات خود را در زندگی مردم نشان

می‌داد، به‌گونه‌ای که بسیاری از اقلام اولیه و بدیهی مردم در حوزه بهداشت و خوراک به سمت سهمیه‌بندی و کوپنی شدن سوق داده شد. در این حالت تأمین ضروریات معیشت مردم و حفظ معدود صنایع کشور از تعطیلی و باقی ماندن در چرخه تولید، در قالب «طرح بحران» از اولویت برنامه‌های دولت به‌شمار می‌رفت و دخول در حوزه توسعه اقتصادی با بازار سرمایه‌گذاری و صادرات از رئوس برنامه‌های دولت حذف شده بود. هر چند پس از پایان جنگ با رهبری‌های خردمندانه حضرت امام و مسئولین مملکتی و نیز حمایت بی‌شائبه مردم از جنگ با وجود مشکلات عدیده، حتی یک دلار بدهی خارجی هم به بار نیامد و این در حالی بود که عراق با حجم ذخیره ارزی بالا در ابتدای جنگ «سی‌وشش میلیارد دلار که چهار برابر ذخیره ارزی ایران در ابتدای جنگ بود» بدهی بالای هفتاد تا نود میلیارد دلاری را به بار آورد. بنا بود دستیابی به موقعیت و هدف راهبردی موردنظر برای غلبه بر فضای این‌چنینی، در سطح جامعه با طراحی عملیات کربلای چهار میسور و محقق شود.

این عملیات سرنوشت ساز، سوم دی‌ماه سال ۱۳۶۵ در مناطق مقابل خرم‌شهر تا جزیره مینو برای تصرف جزیره ام‌الرصاص و ابوالخصب عراق و بستن جاده بصره به فاو در دو محور عمده:

عبور از اروند با نفوذ از سمت شمال آن؛

عبور از شلمچه به سمت زبیده که لشکر ۵۷ ابوالفضل (علیه‌السلام) و ۱۹ فجر متولی اجرای طرح مانور آن بودند، با هدف تک‌فریبنده آغاز شد.

این عملیات از جمله عملیات نادری بود که نیروهای مسلح ایران در موضع آفندی با دو سپاه بزرگ عراق (سپاه سوم به فرماندهی سپهد طالع خلیل‌الدوری و سپاه هفتم عراق به فرماندهی سرلشکر ماهر عبدالرشید) هم‌آورد می‌شد.



نمودار ۱. اهداف عملیات کربلای ۴

کربلای چهار شکست یا پیروزی؟

در غالب عملیات اجرا شده علیه دشمن یعنی، اصل غافلگیری در دو مقوله تاکتیک و زمان را می توان از محوری ترین عوامل مورد استفاده در تعیین سرنوشت نبرد برشمرد. عامل غافلگیری تاکتیکی در عملیات ما دارای ثقل بیشتری نسبت به عامل غافلگیری زمان بود؛ چرا که در حالت کلی بازه زمانی اجرای طرح مانور عملیات ها به واسطه شواهد و قرائن غیرقابل کنترل قابل برآورد کلی بوده و نمی توانستیم از این خصیصه به طور کامل استفاده کنیم.

در عملیات کربلای چهار، به واسطه اتفاقات رخ داده در عرصه سیاسی مملکت از جمله جریان مک فارلین و ایران گیت و نیز پیروزی های عزتمندان ایران در جبهه ها، همت حامیان صدام بر تعمیق و غنی سازی اطلاعات ارتش عراق از مواضع پدافندی و آفندی نیروهای خودی

شکل سامان یافته تر و کاربردی تر به خود گرفت؛ تا جایی که در مرداد سال ۱۳۶۵، به گفته مارک پری نویسنده و تحلیلگر آمریکایی و صاحب کتاب «کسوف آخرین روزهای سیا» در قسمتی از کتاب خود، ضمن اشاره به فعالیت گسترده دستگاه اطلاعات و جاسوسی آمریکا و دول متحده در حمایت از صدام در دادن اطلاعات مهم نقاط حیاتی و حساس برای بمباران مناطق مختلف مسکونی و صنعتی ایران و نیز اطلاعات افراد و شخصیت‌های نظام، عنوان می‌کند که آمریکا با فعال‌سازی جاسوسی، اقدام به ایجاد یک سیستم بسیار پیچیده و امن انتقال اطلاعات که واشنگتن را مستقیم به عراق وصل می‌کرد نمود و از طریق این ایستگاه، اطلاعات نظامی دقیق و آرایش‌های نیروهای خودی که از طریق منابع مختلف جمع‌آوری می‌شد را در اختیار فرماندهان و طراحان جنگ عراق قرار می‌داد.

عملیات کربلای چهار به واسطه فعالیت گسترده دستگاه اطلاعاتی حامیان صدام نتوانست غافلگیری لازم زمان و تاکتیکی مدنظر طراحان را در عرصه نبرد فراهم آورد. این تأثیر به حدی شایان توجه بود که عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت دولت عراق، در مصاحبه‌ای که با رادیو مونت کارلو پس از این عملیات صورت داد، خطاب به دولت آمریکا و ایادی‌اش عنوان نمود «ما به خاطر این اطلاعات ارزشمند از آن‌ها ممنونیم.» البته نقش ستون پنجمی‌های نظام مانند تشکل‌ها و سازمان‌های منافق و معاند و افراد حقیقی و حقوقی وابسته به آن‌ها را نیز نمی‌توان در این امر نادیده گرفت.

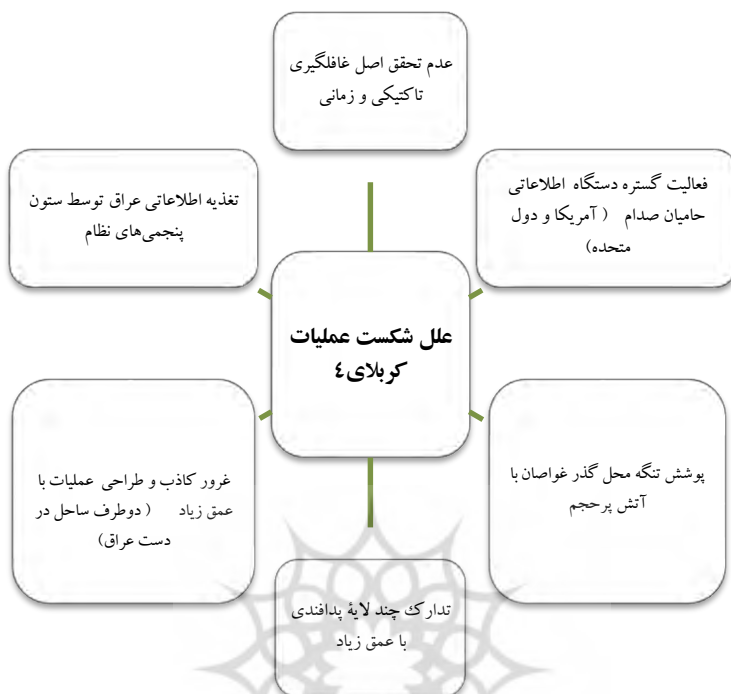
ارتش بعث عراق قبل از انجام عملیات کربلای ۴، علاوه بر آنکه تمام توان داخلی خود را تجمیع کرد، به سراغ «منافقین»، «برخی عوامل خودفروخته گروه‌های سیاسی ایران» و همچنین «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و برخی دیگر از کشورها» رفت و از آن‌ها برای نشت اطلاعات این عملیات بهره برد. (کوثری، ۱۳۹۶) روبروی رزمندگان ما صدام و پشت سرشان نهضت آزادی بود، یعنی روبروی شان توپ‌های عراقی و پشت سرشان خنجر بود که از سوی بعضی افراد بر پشت مقاومت فرو می‌رفت و آن هم نهضت آزادی بود. «همچنین در این عملیات یک سرهنگ خائن توپخانه، تمام نقشه‌ها و کالک‌های عملیات را به عراق برد و بعدها خودش هم پناهنده بود. تمام نقشه‌های عملیات لو رفته بود. (نجیمی، ۱۳۹۴)

عملیات کربلای چهار، با عملیاتی نظیر والفجر هشت تفاوت شایانی داشت. در والفجر هشت، خط مقدم پدافندی و آتش عراق عمق چندانی نداشت؛ چرا که فکر نمی‌کرد عنصر غواص بتواند برای اجرای طرح عملیات از آن بگذرد، بلکه هدف در شناسایی خلاصه خواهد شد، چرا که پس از عملیات رمضان، دشمن شدیداً اقدام به کار مهندسی و تسلیح زمین شلمچه و دهانه‌های منتهی به اروند نموده بود؛ اما در کربلای چهار، دهانه‌های منتهی به اروند با آتش پر حجم پوشش داده شده بود و خطوط چند لایه پدافندی با عمق زیاد تدارک دیده شده بود. از طرفی هر دو طرف ساحل طرح عملیات برخلاف والفجر هشت، در دست نیروهای دشمن بود و هیچ خط پدافندی را تا تصرف و ایجاد منطقه امن در داخل خاک دشمن نمی‌شد ایجاد نمود.

والفجر ۸ یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌ها در تاریخ جنگ‌های دهه‌های اخیر است. در این عملیات ایران توانست بر سواحل اروند، ساحل شمالی خور عبدالله و شبه‌جزیره فاو مسلط شود. رزمندگان اسلام با کمترین امکانات روز زرهی دنیا به این پیروزی بزرگ دست یافتند. برای انجام عملیات والفجر ۸ چند ماه بود که نیروهای ایرانی عملیات ایزدایی را شروع کرده بودند تا عراقی‌ها را سرگرم کنند. در والفجر ۸ عراقی‌ها زمانی به خودشان آمدند که دیدند کار از کار گذشته است. آن‌ها فکر می‌کردند که ایران در جبهه شمالی عملیات خواهد کرد اما فریب خوردند؛ بنابراین می‌توان گفت مجموعه این نصرت‌های الهی و تدبیر فرماندهان و همکاری مؤثر سپاه و ارتش در والفجر ۸ باعث شد که فرماندهان در رابطه با عملیات کربلای ۴ به یک غرور کاذب برسند؛ و جسورانه برای کربلای ۴ عملیاتی با عمق زیاد (دو طرف ساحل در دست عراق) طراحی کنند. فرماندهان نظامی چون در اروند به پیروزی بزرگی دست یافته بودند؛ خیلی به خودشان مغرور شده بودند. این هم یک پیام الهی است که اگر کسی به چیز دیگری جز قدرت لایزال الهی تکیه کند موفق نمی‌شود.

در عملیات کربلای ۴ هر چند نیروهای ایران نتوانستند به‌طور کامل به اهداف از پیش تعیین شده برسند، اما موفقیت‌هایی نسبی در شکستن خط اول عراق در هر دو محور مطروحه به دست آمد. در محور اول، غواصان لشکر عاشورا در قالب گردان حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درحالی که از یک طرف انبوه موانع تدارک دیده شده مانند سیم‌خاردارها،

خورشیدی‌ها، میادین مین و... ام‌الرصاص و بوارین را چونان خطی غیرقابل نفوذ تداعی می‌کرد و از طرفی آتش پر حجم، پهنه‌اروند و دهانه‌های منتهی به ام‌الرصاص را به شدت پوشش می‌داد و نورافشانی منورها فضای تک را مانند روز روشن کرده بود، توانست با استعانت گرفتن از الطاف حق تعالی، خط ام‌الرصاص را شکسته و با پیشروی در عمق به سمت جنوب به طول سه کیلومتر و پاکسازی آن نسبت به ایجاد حاشیه امن برای انجام عملیات آبی‌خاکی و ایجاد خط پدافندی اقدام نماید. این گردان همچنین با الحاق به یک گروهان از گردان غواصی لشکر ۱۴ امام حسین (علیه‌السلام) که با عبور از تنگه ام‌الرصاص و نفوذ از پشت در جزایر ام‌البابی ۱ و ۲ زمین‌گیر شده بود و سرنوشتی جز اسارت یا شهادت را برای آن متصور نمی‌شد، توانست با تقویت خط پدافندی این گروهان و مقاومت در مقابل پاتک‌های سنگین دشمن با جمع‌آوری مجروحین و شهدا به همراه این گروهان غواصی با دستور عقب‌نشینی به ساحل خودی مراجعت نمایند. علیرغم تلفاتی که به شاكلة کلی گردان ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لشکر عا شورا وارد شده بود، فرماندهان آن گردان توانستند با فراخواندن نیروهای آموزش‌دیده مجرب که در عملیات والفجر هشت حضور داشتند، به بازسازی استعداد گردان بپردازند و با آموزش‌های فشرده در بازه زمانی محدود دوهفته‌ای، در قالب گردان خط‌شکن دوباره مهیای کارزار کربلای پنج شوند. در محور دوم نیز لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) و لشکر ۱۹ فجر با ابتکار خود توانست بانفوذ از سمت شمال به جنوب شلمچه که برخلاف مواضع و استحکامات و خطوط دفاعی دشمن که از شرق به غرب زمین را تسلیح نموده بودند، از پنج ضلعی شمال شلمچه گذشته و موفق به شکستن خط گشته و حتی دژ مرزی را نیز تصرف نماید و تا کانال ماهی پیش برود.



نمودار ۲. عوامل شکست عملیات کربلای ۴

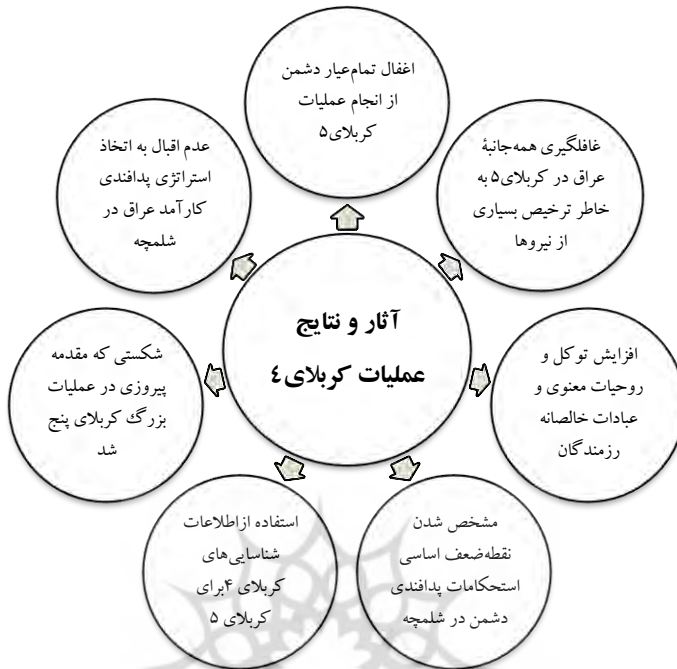
آثار و نتایج عملیات کربلای چهار

هرچند عملیات کربلای ۴ پس از هشت ساعت و نیم متوقف شد، اما آثار و برکات این عملیات به حدی شایان بود که نمی‌توان آن را در زمره شکست‌های علی‌الاطلاق برشمرد؛ چرا که اولین عامل اساسی در اغفال تمام عیار دشمن از انجام عملیات جدید توسط نیروهای خودی و عدم اقبال به اتخاذ استراتژی پدافندی کارآمد نیروهای دشمن در عملیات کربلای پنج بود؛ تا حدی که با ترخیص بسیاری از نیروها و ترک منطقه نبرد توسط فرماندهان، عملاً موجبات غافلگیری همه‌جانبه زمانی و تاکتیکی دشمن در عملیات کربلای پنج فراهم آمد. بعد از آنکه عملیات کربلای ۴ در ظاهر شکست خورد، دشمن بسیار مغرور شد؛ آن‌ها جشن‌های زیادی گرفتند و درجاتی به عنوان تشویقی به فرماندهان ارتش بعث داده شد. بسیاری از نیروهای

عمل‌کننده و احتیاط دشمن که در جنوب اروند و در خطوط پدافندی عملیات کربلای چهار مستقر بودند در همان منطقه ماندند و انتقال مؤثر این نیروها در عملیات کربلای پنج اتفاق نیفتاد. برخلاف آن نیاز نیروهای خودی به جابجایی‌های مشهود و محسوس در جبهه عملیات کربلای پنج به‌واسطه استعانت گرفتن از استعداد نیرویی و تجهیزاتی طی عملیات کربلای چهار به حداقل رسید. از حدود ۳۰۰ گردانی که در عملیات کربلای چهار آماده شده بودند، نزدیک چهل گردان به عنوان نیروهای عمل‌کننده در کربلای پنج به کار گرفته شد. هرچند عملیات کربلای چهار در محور اول خود به اهداف متصور دست نیافت و نتوانست عمق لازم را برای مرحله بعدی عملیات فراهم آورد، اما در محور دوم عملیات نقطه‌ضعف اساسی استحکامات پدافندی بی‌نظیر دشمن مشخص شد. در محور دوم، نیروهای عمل‌کننده توانستند با نفوذ به عمق خاک دشمن باعث طرح‌ریزی عملیات کربلای پنج از همین نقطه شوند و ضربه نهایی به دشمن وارد آمد. در واقع می‌توان ابراز داشت تاکتیک طرح‌ریزی شده کربلای پنج نیمه دوم و مکمل کربلای چهار بود که طرح آن در کمتر از دو هفته آماده شد و پیروزی نهایی توانست در این عملیات جامعه عمل به خود ببوشد.

اطلاعات به‌دست آمده از شناسایی‌های کربلای ۴ باعث شد در مدت کوتاه دوهفته‌ای، نزدیک به بیست راهکار عملیاتی و کاربردی برای نفوذ به منطقه شمال شلمچه و رسیدن به جنوب بصره در دسترس فرماندهان باشد. با این استدلال می‌توانم بگویم دستیابی ایران به نقطه‌ای عزتمند و نیز صدور قطعنامه‌ای منصفانه با هدف احقاق حق ملت ایران، محصول کربلای ۴ بود که در کربلای پنج نماد عینی به خود گرفت. از این منظر عملیات کربلای ۴، عملیات متوقف‌شده‌ای بود که در مرحله دوم با نام کربلای پنج به اهداف خود دست یافت.

عدم موفقیت در عملیات کربلای ۴، تأثیر روحی فراوانی بر فرماندهان و به ویژه فرماندهی جنگ گذاشت. آن‌ها متأثر از شکست عملیات، روحیات معنوی بیشتری پیدا کرده بودند و عبادات خالصانه‌تری برای عملیات بعدی به جای می‌آوردند و به خداوند بزرگ بیشتر توکل می‌کردند. اگر عملیات کربلای ۴ که بر آن نام «عملیات سرنوشت ساز» گذاشته بودند، موفق می‌شد، عملیاتی به نام عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه انجام نمی‌گرفت. (نیازی، ۱۴۰۱:



نمودار ۳. آثار و نتایج عملیات کربلای ۴

نقش غواصان در دفاع مقدس

جنگ پس از فتح خرمشهر و با عملیات چون فتح الفتوح، فتح المبین و بیت المقدس به جایی رسیده بود که استکبار جهانی و عربی بر پیشنهاد صلح پافشاری می کردند صدام نیز که قدرت حفظ متصرفات قبلی را نداشت با عقب نشینی از برخی مناطق اشغالی، نبرد از میدان جنگ را به عرصه های سیاسی کشاند و بدون آن که شرایط حاکم بر عرصه نبرد در متجاوز بودن رژیم بعث به عنوان آغازگر جنگ لحاظ شود و نیز شرایط ایران برای صلح مد نظر قرار گیرد، با به دست آوردن وجهه صلح طلب و اشعار آن در جهان سعی داشت، هم ایران را وادار به پذیرفتن شرایط جدید خود بکند و هم نگاهی به چند ماه آینده با میزبانی «کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد» در بغداد، ریاست آن را به مدت ۸ سال عهده دار شود؛ و به مثابه آن شرایط دلخواه خود را بر ایران تحمیل کند. ایران نیز در این رهگذر برای برگزاری کنفرانس غیر متعهدها در

بغداد دو راه بیشتر نداشت یا در کنفرانس شرکت نمی‌کرد که تبعات سوء آن برای سیاست خارجی ایران جدی بود و یا اگر شرکت می‌کرد، با توجه به زمینه‌های ناسیونالیستی عربی و نیز تباری شوم شرق و غرب که در این کنفرانس وجود داشت قطعاً با اقدامات برخی کشورها مواجه و متفقد شرایط عراق بر ایران تحمیل می‌شد. حالتی که در آن تبعاتی چون:

- عدم تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت‌های ناشی از جنگ؛
- عدم تمکین عراق و شخص صدام به معاهده ۱۹۷۵ الجزایر؛
- باقی ماندن عراق در بخشی از خاک ایران را به دنبال داشت.

تصمیم‌گیرندگان سیاسی و فرماندهان نظامی با توجه به برتری ایران در عرصه میدانی در این زمان حاضر نبودند بدون دستیابی به حداقل امتیاز (تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت) پایان جنگ و قرارداد صلح را به رسمیت بشناسند. از این رو هدف اصلی ایران از ورود به خاک عراق و ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و ادار کردن جامعه بین‌الملل متحد به تنبیه متجاوز بود تا هم به اهمیت انقلاب اسلامی خدشه وارد نشود و هم ایران در مقام دفاع سربلند بوده و بتواند غرامت‌های حاصل از جنگ را دریافت نماید. از این رو با اذن امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) سلسله عملیات‌هایی برای تصرف خاک عراق به اجرا درآمد. پس از عملیات رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ که عدم موفقیت کامل در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده را به دنبال داشت لزوم تغییر استراتژی مدیریت جنگ امری اجتناب‌ناپذیر بود. فضای نامتقارن جنگ در عرصه تسلیحات و ادوات جنگی پیام معناداری داشت و آن اینکه دشمن حائز نقاط قوت در عرصه جنگ زمینی است. لذا باید ضمن شناسایی نقاط ضعف دشمن نقاط قوت او را که تانک و ادوات جنگ زمینی و زرهی و نیز یگان‌های دفاع متحرک بود را به چالش کشیده و ناکارآمد نمود و راهکار بدیهی و آشکار کشاندن جنگ به آب بود تا:

توان زرهی عراق تقلیل یابد.

دستیابی به شرق بصره با گذر از معابر آبی میسور گردد.

و هوالعظیم اولین منطقه و مقصد اتخاذ این استراتژی بود.

هر چند در عملیات بدر و خیبر رزمندگان اسلام با آب مأنوس بودند اما کار غواصی در شکل واقعی، در عملیات والفجر ۸ و در ادامه در عملیات کربلای ۴ و ۵ کلید خورد. کسی باور

نمی‌کرد چنین موفقیتی در این ابتکار نهفته باشد. در عملیات والفجر ۸ هر لشکر دارای یک یا دو گردان ویژه غواصی بود که دستیابی به اهداف عملیاتی به‌طور کلی محقق گردید.

در عملیات کربلای ۴؛ قدرت تصمیم‌گیری فرماندهان سپاه پاسداران برای اجرای عملیاتی با این وسعت و در آن شرایط سخت مثال‌زدنی بود.

عملیات کربلای ۵ مینیاتوری از عملیات ۸ سال دفاع مقدس بود. علیرغم سختی کار و اوج آتش دشمن و ایران، نیروها و تجهیزات دشمن (در سطح عالی و باورنکردنی) بااراده ستودنی فرماندهان برای کسب پیروزی و روحیه بالای رزمندگان و غواصان خط‌شکن (این ملائک حق تعالی که ترس در وجودشان معنا نداشت)، منهدم گردید. عنایت حق تعالی در این عملیات ملموس بود، گویی خدا پرده‌ها را برداشته و از ملائک خود بی‌محابا حمایت می‌کرد.

عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵، عملیات‌های مخصوصی بودند. برهه‌ای باورنکردنی و اسطوره‌ای در تاریخ درخشان مجاهدت‌های محبان فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در دفاع مقدس رقم خورد و این صبغه موهون حضور غواصان دریادلی بود که فصل جدید و ناب از مجاهدت را رقم زدند. (حسینی ودیق، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۴)

شرح عملیات کربلای چهار بر اساس مشاهدات نویسنده مسئول مقاله

حدود هشت صد نفر از جان بر کفان لشکر ۳۱ عاشورا در قالب دو گردان غواصی حضرت ولیعصر (عجل‌الله فرجه الشریف) و حبیب بن مظاهر دور هم جمع شده بودند تا در عملیات کربلای چهار شرکت کنند. آموزش‌های شنا و غواصی برای نیروها از استخر باغ شمال تبریز استارت خورد و در ادامه دوره‌های تکمیلی در سد دز و رود کارون (موقعیت قجریه) پیگیری شد. در پایان دوره، نیروها روزانه حدود دوازده کیلومتر شنا می‌کردند. دوره سخت و طاقت‌فرسای غواصی با موفقیت به پایان رسید. صبح روز دوم دی‌ماه ۱۳۶۵ بود، باید آماده کوچ از قجریه می‌شدیم. چادرها را جمع‌وجور کردیم. وسایل شخصی‌مان را در کیف و کوله‌پشتی‌ها گذاشتیم و به مسئول تعاون گردان دادیم. پلاک‌ها را تحویل گرفتیم؛ و پلاک یعنی بلیت پرواز!

در گوشه‌ای از موقعیت، تازه دامادها جشن حنابندان راه انداخته بودند. انگشت‌ها و کف دستشان را با حنا سرخ می‌کردند. عملیات برای غواص‌ها، حکم بزم عاشقانه را داشت. بازار هدیه دادن و گرفتن داغ بود.

عصر آن روز، تریلی‌ها وارد موقعیت شدند و در جاده‌ی خاکی به صف ایستادند. این یعنی قطعی بودن حرکت به سمت منطقه‌ی عملیاتی کربلای چهارم.

نماز مغرب و عشا اقامه شد. شام را خوردیم و آماده‌ی حرکت شدیم. لحظات سختی بر ما می‌گذشت. دل‌کندن از موقعیتی که سی شبانه‌روز در آنجا عاشقانه زندگی کرده بودیم تلخ بود. جدا شدن از نخلستان‌هایی که شاهد خلوت شبانه‌ی غواص‌ها و خداحافظی با کارون خروشان که خدا می‌داند از دنیای غواص‌ها چه در دل داشت، سخت بود. قجریه شده بود همه‌ی شیرینی زندگی‌مان. چاره‌ای نبود. باید می‌گذاشتیم و می‌گذشتیم. مأموریت بزرگی در پیش بود. برای هر گروهان، یک تریلی در نظر گرفته بودند. سوار شدیم تریلی‌ها حرکت کردند و بعد از حدود یک‌ونیم ساعت، در کنار نخلستانی که به نهر عرایض منتهی می‌شد، توقف کردیم. همگی از تریلی پیاده شدیم. از آنجا به بعد، باید پیاده می‌رفتیم. یک کیلومتر با سنگرها فاصله داشتیم. اسلحه و تجهیزات را برداشتیم و راه افتادیم در دل نخلستان. هر چه به خط نزدیک‌تر می‌شدیم تعداد منورها زیاد می‌شد.

مثل اینکه عراقی‌ها متوجه حضور ما شده بودند و داشتند از ما استقبال می‌کردند! زیر نور منورها، قایق‌هایی پر از مهمات که در نهرهای اطراف استتار شده بودند، دیده می‌شد. بعد از طی مسافتی در انتهای نخلستان از کنار خرابه‌ی یک مدرسه گذشتیم و به سنگرهایی در اطراف روستای خین رسیدیم.

صبح روز بعد، با احتیاط و یکی‌یکی برای وضو از سنگر خارج شدیم. نماز را داخل سنگر خواندیم. در رو شنایی روز، ویرانه‌های خین را بهتر می‌دیدیم. صدای انفجار گلوله‌ی خمپاره و رگبار تیربارهای دشمن شنیده می‌شد! بچه‌ها می‌گفتند این گلوله‌باران‌ها غیرعادی نیست و کار همیشگی و روزانه‌ی عراقی‌هاست.

غروب شد. هرازگاهی گلوله‌ی خمپاره‌ای در اطراف سنگرهای ما به زمین می‌خورد و منفجر می‌شد. برای در امان ماندن از ترکش‌های خمپاره، در سنگر کوچکمان جمع شده بودیم. عباس

محمدی برای روحیه دادن به بچه‌ها شروع کرد به تفسیر فرازهایی از خطبه یازده نهج البلاغه: «حیدر کرار وقتی در روز جنگ جمل، پرچم سپاه اسلام رو به دست فرزندش محمد حنفیه سپرد، فرمود: تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ، عَضَّ عَلَى نَاجِدِكَ، أَعْرَ اللَّهُ جُمَّمَتَكَ، تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ، أَرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَغَضَّ بِبَصْرِكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.» عباس بسیار باحرارت و پر شور حرف می‌زد. حرف‌های او، دل‌هایمان را قرص می‌کرد. چند دقیقه بعد، گلوله خمپاره‌ای به کنار سنگر ما اصابت کرد. این انفجار، یکی از بچه‌ها را که در ورودی سنگر نشسته بود و هنوز لباسش را نپوشیده بود از ما گرفت.

شدت آتش دشمن زیاد شده بود. گلوله‌های خمپاره، به صورت مداوم خط را می‌کوبید. این آتش سنگین، حکایت از آمادگی نیروهای دشمن داشت! می‌دانستیم کار سختی در پیش داریم؛ غواصی در اروند خروشان در آن سرمای سوزان، گذشتن از تنگه صدوپنجاه متری ام‌الرصاص - بوارین با سربازان آماده و تا بن دندان مسلح عراقی در دو طرف آن، نه کیلومتر غواصی در زیر آب و در عمق خاک دشمن و گذشتن از کنار سنگرهای کمین عراقی، رد شدن از سیم‌خاردهای چند لایه حلقوی، موانع فشرده خور شیدی هشت‌پر و ده‌پر، میادین مین، تله‌های انفجاری، بشکه‌های فوگاز، تیرهای شیلیکا، دوشکا، تیربارها، گلوله‌های آرپی‌جی، ترکش خمپاره، غریبی و بی‌پناهی در داخل آب و...

نزدیکی‌های اذان مغرب بود. بچه‌ها برای ادای آخرین نمازشان وضو گرفتند. بعد هم لباس خاکی را از تن درآورده و لباس غواصی پوشیدند؛ لباس غواصی برای آن‌ها لباس آخرت بود و خلعت شهادت. با همان خلعت، به نماز ایستادند. نمازی سرتاسر خضوع و خشوع. صدای گریه بچه‌ها از گوشه و کنار سنگر به گوش می‌رسید. فضای سنگر، عجیب معنوی شده بود. عطر آن لحظات هنوز در مشام است. تعقیبات نماز آن شب، وداع جانانه غواص‌ها بود. همدیگر را در آغوش کشیدیم و با چشمان خیس، طلب حلالیت کرده و قول شفاعت گرفتیم. در اثنای وداع، گلوله خمپاره‌ای نزدیکی سنگر ما به زمین خورد و سنگر را تکان داد. ما بی‌توجه به آن، حمایل‌ها را به دوش انداختیم، وزنه‌ها و نارنجک‌ها را به کمر بستیم، اسلحه‌ها را به پشت انداخته و مهماتمان را برداشتیم و گونی‌هایی را که دوخته بودند، برای استتار روی کلاه‌های غواصی انداختیم.

ده دقیقه بعد دستۀ ما جلو سنگر صف بست. حلقۀ طناب را روی دستمان انداختیم. یکی یکی وارد کانال شدیم. ستون، خیلی آرام و بی سرو صدا در کانال جلو می‌رفت. شلیک انواع گلوله، لحظه‌ای قطع نمی‌شد. یکی از بچه‌ها گلوله خورد و مجروح شد. ترکش خمپاره‌ای هم به بالای ابروی راست عزیز تیموری اصابت کرد و موجب خونریزی شد. فرمانده به او گفت که برگردد عقب، اما عزیز قبول نکرد و به مسیرش ادامه داد. بعد از طی مسافتی از کانال خارج شدیم و در پشت آخرین خاک‌ریز خط خودی پناه گرفتیم. در گوشه‌ای از آن خاک‌ریز، معبری باز کرده بودند تا غواص‌ها از آن طریق وارد اروند شوند. هنوز گهگاه گلوله خمپاره‌ای در اطراف ما منفجر می‌شد. فرمانده گردان با لباس غواصی بر روی تل خاکی در سمت راست ستون ما ایستاده بودند و به اروند نگاه می‌کردند. جانشین گردان، بچه‌ها را به آهستگی برای ورود به آب راهنمایی می‌کردند. نوبت ورود ما به آب بود. فین‌ها را پوشیدیم و با احتیاط نقره‌نفر وارد آب شدیم.

تا عمق یک‌ونیم متری جلو رفتیم و منتظر فرمان حرکت ماندیم. فقط سرهایمان از آب بیرون بود. رسیده بودیم به نقطه‌ی رهایی. عراقی‌ها شروع به ریختن آتش کرده بودند و ساحل ما را با خمپاره می‌زدند. گاهی هم با شلیک منور منطقه را روشن می‌کردند. تحرکات عراقی‌ها به گونه‌ای بود که انگار متوجه حضور ما شده‌اند!

بالاخره ساعت ۲۲/۱۵ روز سوم دی، دستور حرکت صادر شد. بچه‌های دسته‌ی یک که جلوتر از ما بودند رها شدند. دقایقی پس از رفتن آن‌ها، ما با توکل به قادر متعال، توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) و درحالی که وَجَعَلْنَا می‌خواندیم به سمت دشمن حرکت کردیم. هنوز هفتاد و هشتاد متری جلو نرفته بودیم که موج انفجار خمپاره‌ای باعث شد غواصی که پشت سر من فین می‌زد، روی من بیفتد و اشنوگر من در آب فرو برود. آب وارد دهان و حلقم شد. داشتم خفه می‌شدم. به هر زحمتی بود خودم را به سطح آب رساندم تا نفسی تازه کنم و حالم جا بیاید.

وقتی عینک غواصی را از روی صورتم برداشتم، صحنه‌ی عجیبی مقابل چشمانم ظاهر شد. آن قدر منور خوشه‌ای زده بودند که روی آب مثل روز روشن بود. از ساحل نیز با انواع و اقسام سلاح‌های سبک و سنگین روی اروند متمرکز شده بودند و داشتند سطح آب را به صورت

ضربدروی درو می‌کردند! داخل آب را هم به گلوله خمپاره بسته بودند! نیزارهای ساحلی بر اثر برخورد گلوله‌های خمپاره آتش گرفته بود. همه‌جا پر از دود شده بود. اوضاع خیلی آشفته بود. از سمت راست دسته ما سروصدهایی به گوش می‌رسید. وقتی دقیق‌تر شدم دیدم یکی دارد نام مبارک حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را صدا می‌زند! وقتی به سمت صدا برگشتم چند ستون غواصی را دیدم که دارند با لهجه‌های مختلف داد می‌زنند: برگرد، برو عقب، ستون را رها کن، بیا اینجا، یا حسین (علیه السلام) و... .

آتش پرحجم عراقی‌ها روی آن‌ها متمرکز بود. باران گلوله‌های رسام شیلیکاه، دو شکاها، تیربارها و مو شک‌های آرپی جی به همراه گلوله خمپاره بچه‌ها را لت و پار می‌کرد. گلوله‌ها به سرو صورت و سینۀ بچه‌ها می‌خورد. خیلی‌ها بی صدا و مظلومانه به شهادت می‌رسیدند، بعضی‌ها هم صدای ناله‌شان به آسمان بلند می‌شد. جنازه بود که روی آب دیده می‌شد. امواج آب، جنازه‌ها را مثل گهواره تکان می‌داد و با خود به طرف بوارین و جزیره ماهی می‌برد. اروند، رنگ خون به خود گرفته بود. قیامتی به پا شده بود. بوی باروت و خون از هر طرف به مشام می‌رسید. صحنه‌های عجیب و دل‌خراشی بود. به نظر می‌رسید که عملیات از کنترل و هدایت فرماندهان خارج شده است.

برای دسته غواصی ما هم امکان ادامه مسیر غیرممکن شده بود؛ قرار شد خودمان را به ام الرصاص برسانیم. با استعانت گرفتن از الطاف الهی توانستیم با وجود انبوه موانع در زیر نور افشانی منورها و آتش پرحجم دشمن، خط ام الرصاص را بشکنیم و با پیشروی در عمق به سمت جنوب و پاکسازی ۳ کیلومتر از آن نسبت به ایجاد حاشیه امن برای انجام عملیات آبی خاکی و ایجاد خط پدافندی اقدام نماییم. دسته غواصی ما با الحاق به گروهانی از گردان غواصی لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) که با عبور از تنگه ام الرصاص و نفوذ از پشت در جزایر ام البابی ۱ و ۲ زمین گیر شده بود و سرنوشتی جز اسارت یا شهادت را برای آن متصور نمی‌شد، توانستیم با تقویت خط پدافندی این گروهان و مقاومت در مقابل پاتک‌های سنگین دشمن با جمع‌آوری مجروحین و شهدا به همراه این گروهان غواصی با دستور عقب‌نشینی به ساحل خودی مراجعت نماییم. عملیات کربلای ۴، گردان ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لشکر ۳۱ عاشورا فرمانده گروهان یک و حدود ۱۱۰ تن از غواصان دریادل خود را از

دست داد. عده‌ای از آن جان بر کفان، قفس تن را شکستند و رهیدند، بعضی‌ها جاویدالآثر شدند و پیکر مطهرشان را آب برای همیشه با خود برد، گروهی دیگر مجروح و به درجه جانبازی نائل آمدند و بعضی هم به اسارت عراقی‌ها درآمده و عنوان آزادی یافتند.

بحث و نتیجه‌گیری

شکست و پیروزی در جنگ‌ها امری اجتناب‌ناپذیرند، ۸ سال دفاع مقدس هم مستثنا از این قاعده نبوده و دارای فراز و فرودهایی بود. در میان عملیات انجام‌یافته جمهوری اسلامی ایران علیه عراق، عملیاتی بودند که اگر تنها به‌ظاهر آن‌ها نگریسته شود و به تأثیرگذاری آن‌ها توجه نگردد، نتیجه برداشت این خواهد شد که این عملیات فقط یک شکست برای نیروهای ایرانی بوده‌اند. با این وجود، تبیین ابعاد مختلف هر یک از این نبردها می‌تواند تأثیرگذاری آن‌ها را مشخص کند. عملیات کربلای ۴، یکی از عملیات گسترده، پیچیده و جسورانه رزمندگان اسلام بود که در تاریخ سوم دیماه ۱۳۶۵، با رمز محمد رسول (صلی‌الله‌علیه و آله) در محور خرمشهر تا جزیره مینو برای تصرف جزیره ام‌الرصاص و ابوالخصیب و بستن جاده بصره به فاو شروع شد اما به خاطر هوشیاری دشمن و عدم تحقق اصل غافلگیری تاکتیکی و زمانی با عدم الفتح مواجه گردید.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که عملیات کربلای ۴ هر چند از طرفی به جهت تغذیه اطلاعاتی عراق توسط ایالات متحده آمریکا، برخی کشورهای عربی و ستون پنجم و آمادگی نیروهای عراق و از طرف دیگر به خاطر غرور کاذب ناشی از پیروزی در عملیات والفجر ۸ و طراحی عملیاتی با عمق زیاد (دو طرف ساحل در دست عراق) شکست خورد، اما آنچه باید موردتوجه قرار گیرد این است که شکست مقدمه پیروزی است و باید از ناکامی‌ها درس عبرت آموخت و برای کسب پیروزی‌ها در آینده از آن بهره جست.

عملیات کربلای ۴ به دلایلی که گفته شد با عدم الفتح روبرو شد و نتوانست به اهداف خود دست یابد، اما آثار و نتایج آن به حدی شایان بود که نمی‌توان آن را در زمره شکست‌های علی‌الاطلاق بر شمرد؛ چراکه اولین عامل اساسی در اغفال تمام‌عیار دشمن از انجام عملیات جدید توسط رزمندگان اسلام و عدم اقبال به اتخاذ استراتژی پدافندی کارآمد نیروهای دشمن

در عملیات پیروزمند کربلای پنج بود. بعد از آنکه عملیات کربلای ۴ در ظاهر با عدم موفقیت روبرو شد، رژیم بعثی عراق بسیار مغرور شد؛ صدام ضد حمله عراق را «حصاد الاکبر» (دروغ بزرگ) نامید. عراقی‌ها سرمست از پیروزی جشن‌های زیادی گرفتند و درجات زیادی به عنوان تشویقی به فرماندهان خود داده و در یک بی‌خیالی به سر می‌بردند. با ترخیص بسیاری از نیروها و ترک منطقه نبرد توسط فرماندهان، عملاً موجبات غافلگیری همه‌جانبه زمانی و تاکتیکی دشمن در عملیات کربلای پنج فراهم آمد. شرایط جنگ بعد از عملیات کربلای ۴ کمی پیچیده شد و رژیم بعثی عراق در آن مقطع به هیچ‌عنوان فکر نمی‌کرد که بعد از شکست این عملیات و فقط طی ۱۵ روز عملیات دیگری با شرایط و ویژگی‌های خاص توسط نیروهای ایرانی انجام شود؛ بنابراین می‌توان گفت کربلای چهار عملیات شکست‌خورده‌ای بود که با عنایات الهی مقدمه پیروزی در عملیات کربلای ۵ شد یعنی اگر عملیات کربلای ۴ انجام نمی‌گرفت، عملیات کربلای ۵ هرگز به موفقیت نمی‌رسید.

نویسندگان اول و دوم مقاله به دلیل حضور در عملیات کربلای چهار به عنوان نیروی خواص و سال‌ها توفیق تحقیق و پژوهش در عرصه ادبیات پایداری به همراه نویسنده سوم به نتایج موجود دست یافته‌اند.

منابع و مأخذ

- بیات، حسن (۱۴۰۰). «کربلای چهار پیچیده‌ترین عملیات دفاع مقدس و علل شکست آن» مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، سال سوم، شماره پنجم.
- حسینی ودیق، سیدجعفر (۱۳۹۷). «دریادلان خط‌شکن»، زنجان: نشر غواص.
- حسینی ودیق، سیدجعفر (۱۴۰۰). «میهمانان ام الرصاص»، تهران: انتشارات سوره مهر.
- درودیان، محمد (۱۳۷۸). سیری در جنگ ایران و عراق (فاو تا شلمچه)، جلد سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ دوم.
- رحمانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی، تهران: نشر کیهان، چاپ دوم.
- رضایی میرفائده، محسن (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده، تهران: انتشارات صریح.
- علایی، حسین (۱۴۰۱). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، تهران: مرز و بوم، چاپ دوم.
- محمد علی‌پور، شیرمحل، فریده (۱۳۸۳). دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد با تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
- محمدی، محمدرضا (۱۴۰۰). ابعاد حقوقی دفاع مقدس، زنجان: اداره حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- مرادپیری، هادی و مجتبی شریتی (۱۳۹۳). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، چاپ ۱۲، تهران: سمت.
- نیازی، یحیی (۱۴۰۱). پاسخ‌های اجمالی به چند پرسش جنگ تحمیلی، تهران: نشر فاتحان.
- وفیق‌السامرایی (۱۳۸۸). ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، تهران: مرکز تحقیقات دفاع مقدس.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سایت‌های خبری:
- اوصانلو، محمدتقی. (۱۳۹۴). کربلای ۴ بسیار جسورانه طراحی شد، خبرگزاری بسیج، ۱۴۰۱

علایی، حسین (۱۳۹۴). سخت‌ترین سال جنگ به روایت سردارعلایی، خبرگزاری ایسنا،

۱۴۰۱

کوثری، اسماعیل (۱۳۹۶). سنگ تمام غواصان دست بسته در کربلای ۴، خبرگزاری میزان،

۱۴۰۱

نجیمی، محمود (۱۳۹۴). واکاوی علل پیروزی رزمندگان اسلام در کربلای ۵، خبرگزاری

بصیرت، ۱۴۰۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی